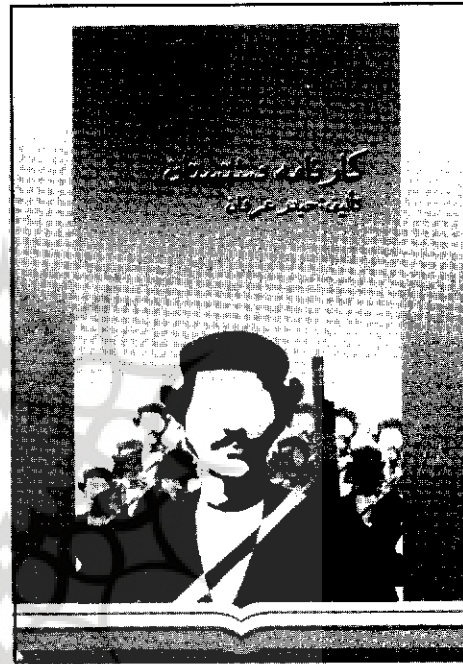


# کارنامه دشتستان



○ کارنامه دشتستان  
○ تألیف: حیدر عرفان  
○ ناشر: نوید، شیراز، چاپ اول، ۱۳۷۹، ۲۰۰ ص.

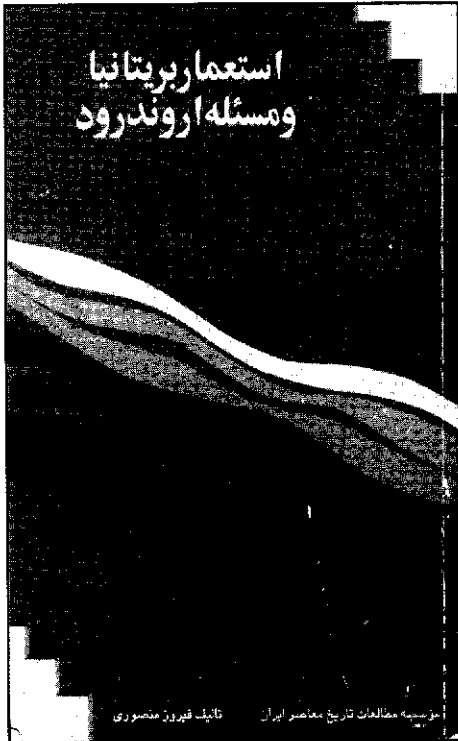
ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کارنامه دشتستان، نام اثری جدید از حیدر عرفان، محقق پرکار جنوب کشور است. از این نویسنده آثار دیگری چون دستور ساده زبان فارسی، چاپ ۱۳۵۰ ه. ش و نخلستان در استان بوشهر یا دشتستان بزرگ به طبع رسیده و آثار دیگری نیز در دست انتشار دارد.

دشتستان که برای محققان آن جاذبه‌ای خاص دارد، انگیزه تألیف و تحقیق چندی را موجب شده است؛ مانند: تاریخ و جغرافیای برازجان، اثر شادروان علیمراد فراشبتدی، جایگاه دشتستان در سرزمین ایران اثر اتابک زاده و شعرای دشتستان، نوشته هیبت‌الله مالکی. نویسنده کارنامه دشتستان، نیز که سال‌های متوالی از عمر خود را در دشتستان گذرانده با اطلاعات گسترده و دقت نظر خاصی مواد و معلومات موردنیاز خویش را فراهم آورده و به سبک و سیاق خاص خویش آن را عرضه کرده است. ابتدا و انتهای کتاب با اشعاری در وصف دشتستان مزین شده که از جمله شعری از مرحوم همایون بحرانی، محقق فقید آن سامان و شخص نویسنده، آقای حیدر عرفان است که در اشعار خویش به «حشمت» تخلص می‌نماید. صفحات کتاب

دربدارنده مباحثی چون توضیح درباره واژه برازجان، محدوده دشتستان، جغرافیای دشتستان از نظر ناهمواری‌ها و آب و هوا است. نویسنده تحقیق و تفحص جالبی نیز در مورد خاندان‌ها و قبایل آن سامان ارائه کرده و سابقه‌ای از نهادهای آموزشی و اداری شهر به دست می‌دهد.

بحث در مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برازجان، مرکز دشتستان، چهره غالب کتاب را تشکیل می‌دهد. اصطلاحات پول، اوزان و مقیاسات که امروزه تقریباً فراموش شده‌اند، از مباحث جالب توجه کتاب است. تحقیق در این موارد و نیز ابزارها و فنون و کشاورزی اساساً در حوزه واژه‌شناسی و تدقیق در شناخت و ضبط آنها انجام می‌گیرد. فنون و مشاغلی چون بنایی، ماهیگیری، باورها و آیین‌ها، روحیات نیز تقریباً به همین نحو، یعنی توضیح اندک و دقت در ضبط و انتقال واژه‌ها همراه شده است. به طور کلی مباحث فرهنگی و اجتماعی کتاب چهره غالب آن را تشکیل می‌دهد.



نقد و بررسی کتاب:

## استعمار بریتانیا و مسئله اروند رود

○ نصرالله صالحی

○ استعمار بریتانیا و مسئله ارون رود  
○ تألیف: فیروز منصور  
○ ناشر: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶.



عقد کردند و این صلح را صلح ناپلئون نامیدند...  
عقد کردند و این صلح را صلح ناپلئون نامیدند...  
عقد کردند و این صلح را صلح ناپلئون نامیدند...

رساله  
تجلیات سرحدی  
تاریخ روابط ایران و عثمانی / عراق و اختلافات مرزی  
دو کشور بعد از وقوع انقلاب اسلامی و بویژه از آغاز جنگ  
تحمیلی در کانون توجه محققین و نیز پاره‌ای از مراکز تحقیقاتی  
داخل و خارج از کشور قرار گرفت. قریب ده سال قبل دو  
کتاب ارزشمند و مستند از سوی جعفر ولدانی<sup>۱</sup> و منوچهر  
پارسادوست<sup>۲</sup> در زمینه تاریخ روابط دو کشور انتشار یافت  
که هر یک به نوبه خود در روشن تر شدن هر چه بیشتر  
تاریخ روابط دو کشور مفید بودند. در همین موضوع در دو  
سال اخیر کتابی با عنوان **استعمار بریتانیا و مسئله اروندرود**  
به قلم فیروز منصوری نیز انتشار یافت. کتاب دارای نه  
فصل، بدین شرح است: فصل اول: جغرافیای تاریخی  
شط العرب؛ فصل دوم: شط العرب و سیاست بین‌المللی؛  
فصل سوم: عهدنامه اول آرزن‌الروم؛ فصل چهارم: از قرارداد  
اول آرزن‌الروم تا کنفرانس دوم آرزن‌الروم؛ فصل پنجم:  
کنفرانس و پیمان آرزن‌الروم؛ فصل ششم: شط العرب، آوردگاه  
ایران و انگلیس در جنگ محمره؛ فصل هفتم: شط العرب  
در آستانه قرن بیستم؛ فصل هشتم: مقدمات تحدید حدود  
۱۹۱۴؛ فصل نهم: کمیسیون تحدید حدود ۱۹۱۴ و سلب  
حقوق ایران.

نگارنده، این اثر را چندی بعد از انتشار تهیه نمود و برای  
کسب آگاهی بیشتر به مطالعه آن پرداخت اما نه تنها این  
هدف برآورده نشد بلکه ایرادات و اشکالاتی را مشاهده نمود  
که نقد پاره‌هایی از آنها را در حوزه تحقیقات تاریخی سودمند  
و ضروری تشخیص داد. در زیر برای پرهیز از طولانی شدن  
مطلب، به عمده‌ترین و مهمترین ایرادات وارد بر کتاب، به  
امید اصلاح در چاپهای بعدی، اشاره می‌گردد:

کتاب فاقد مقدمه‌ای لازم و ضروری است که در آن  
به «طرح مسئله» پرداخته شده باشد، و لذا نویسنده به  
دنبال تحقیق برای تبیین مسئله مشخصی نیست، نویسنده  
با جمع‌آوری مطالب پراکنده از منابع گوناگون و با پرداختن  
مکرر به مباحث غیرمرتبط با موضوع اصلی کتاب، در  
نهایت اثری آشفته و فاقد انسجام پدید آورده است. به  
جهت عدیده مسئله اروندرود که می‌بایست مسئله اصلی  
اثر مذکور باشد، موضوعیت خود را از دست داده و در مقابل،  
جستجو برای کشف توطئه‌های عمال استعمار بویژه  
انگلستان در زمینه‌های مختلف محوریت یافته است. در  
این خصوص اظهار نظرها و کشفیات عجیب و شگفت‌انگیز  
در سراسر کتاب به چشم می‌خورد که مورد اشاره قرار خواهد  
گرفت. در همینجا خاطر نشان می‌کنم که بر ملا کردن  
دست پنهان استعمارگر پیر در تحولات تاریخ ایران و  
پرده برداشتن از جریانات پنهان سلطه‌جویی‌ها و  
استعماری‌های دول بیگانه به ویژه انگلستان، نه تنها  
مفید و حتی ضروری بلکه شایان تقدیر است، اما باید  
همواره این نکته را مد نظر داشت که اگر این کوشش بر  
پایه و اساسی صحیح و متکی به اسناد و مدارکی محکم و  
مستدل استوار نباشد، چه بسا نتیجه کار بر عکس شود و  
ضرر آن بیشتر از منفعت گردد. بنابر موضوع کتاب  
می‌بایستی فصول ۳، ۴ و ۵ اصلی‌ترین و مهم‌ترین فصل‌های  
کتاب باشد. زیرا تمام اختلافات چند صدساله ایران و عثمانی  
در نخستین مذاکرات بین‌المللی، در طول قریب به چهار  
سال طرح و تا حد زیادی حل و فصل شد. حاصل مذاکرات،  
انقصاد عهدنامه دوم آرزن‌الروم بود که بنا به اهمیت آن  
محور و اساسی گردید برای تمامی معاهدات و قراردادهای  
بعدی ایران - عثمانی و ایران - عراق. در این مذاکرات  
برای اولین بار مسئله شط العرب به تفصیل مورد مذاکره  
طرفین قرار گرفت و حل و فصل آن نیز در یکی از مواد  
عهدنامه گنجانده شد. گفتنی است که میرزاتقی خان در  
طول صدارت خود همیشه از به سرانجام رساندن مذاکرات  
آرزن‌الروم و حفظ حقوق حقه ایران، به خود می‌بالید. بنا به  
توضیحی که آورده شد در اینجا مواردی از مباحث سه  
فصل مزبور را مورد بررسی و نقد قرار می‌دهیم:

نویسنده این گونه نتیجه‌گیری کرده است: «در حقیقت،  
انقصاد عهدنامه اول آرزن‌الروم هیچ گونه نفع و امتیازی  
عاید ایران نکرد و فقط انگلستان، صاحب اصلی بغداد، را  
مطمئن ساخت که از این پس اگر شیرمردی چون  
محمدعلی میرزا به پا خیزد و سپاه انگیزد مطابق عهدنامه  
حاضر حق تصرف و تعرض به آن را نخواهد داشت.» (ص  
۸۴)  
باید گفت که اولاً بغداد رسماً و قانوناً در آن عهد جزو  
قلمرو ایران نبود و لذا تعدی محمدعلی میرزادولت‌شاه به آن  
شهر یک تجاوز آشکار نظامی محسوب می‌شد. چند سال  
بعد دولتمردان دو کشور به این نتیجه رسیدند که اختلافات  
فیما بین باید از راه مذاکرات سیاسی حل و فصل گردد نه  
از راه جنگ و لشکر کشی. دوم اینکه عهدنامه مزبور متضمن  
منافع ایران بود به این ترتیب که «مرز دو کشور بر اساس  
معاهده ۱۱۵۶ که بین نادرشاه و سلطان محمود بسته شده  
بود، تأیید گردید. دولت عثمانی تعهد کرد که از زوار ایرانی  
به عتبات و حاجیان مطالبه «باج» نشود، و در کار آنان  
تسهیل نمایند که اختلافی رخ ندهد. دو دولت موافقت  
کردند که هرگاه ایالات سرحدی تجاوزی به خاک دیگری  
کردند، حمایتی از آنان به عمل نیاید.»  
از صفحه ۸۰ تا ۸۴ اظهار نظر آقای جهانگیر قائم‌مقامی  
در خصوص سندیت عهدنامه آرزن‌الروم اول آورده شده که  
چون اظهار نظر او خالی از اشتباه نیست، نقل و قبول  
بی‌چون و چرایی نقطه نظر او بی‌مورد است. البته نویسنده  
درصد است از لایبالی حرفهای قائم‌مقامی «دسیسه‌های  
استعماری» را که در سراسر کتاب به دنبال کشف آنها است  
پیدا کند. نویسنده تلاش کرده تا با مینا قرار دادن عهدنامه  
منتشره از سوی قائم‌مقامی در مجله «بررسیهای تاریخی»،  
عهدنامه منتشره در مآثر السلطانیه را «جعلی» و «ساخته و  
پرداخته استعمار بریتانیا» جلوه دهد. اصولاً نویسنده «کتاب  
مآثر السلطانیه چاپی» را از «ساخته‌های عوامل استعمار  
بریتانیا» (ص ۹۲) می‌داند. باید گفت که عهدنامه مزبور  
دارای یک پیش‌نویس و یک اصل بوده که بعضی منابع

# سیاحتنامه مسیو چریکف

ترجمه آنگار مسیحی

به کوشش علی اصغر عمران



تهران، ۱۳۵۸



البته نه به این جهت که بعد «کتابهای ساختگی را به ایران سرازیر» کنند. از طرف دیگر متون و اسناد و نسخه‌های منتشره نه از طرف انگلیسی‌ها که غالباً از سوی محققین ایرانی تصحیح و چاپ شده است. متونی که عمدتاً با اصل نسخه‌های متعدد موجود در داخل و بعضاً خارج مقابله و بعد منتشر شده‌اند.

۲- فصل چهارم بیست و هفت صفحه را شامل می‌شود. در بیست صفحه مطالب بی‌ربط و غیرمرتبط با عنوان فصل آورده شده و تنها در هفت صفحه آخر فصل به زمینه‌های برپایی کنفرانس ارزنة‌الروم اشاره شده است. در صفحه ۱۱۲ نویسنده در گذشت عباس میرزا را به عنوان «مرگی مشکوک» مورد بررسی قرار داده است. بیشتر اظهارات او مستند به نوشته‌های محمود محمود است. در حالی که باید در صحت و اعتبار بسیاری از نوشته‌های آن مرحوم تأمل کرد و بدون نقد و بررسی اظهارنظرهای او را نپذیرفت. منصوری مرگ عباس میرزا و محمدعلی میرزا دولتشاه را مرگی طبیعی ندانسته و دست عمال انگلیس را در مرگ آن دو دخیل می‌داند: «در کار لشکرکشی هر دو، کارداران انگلیس به مقابله برخاستند و کارشکنی‌ها کردند و تهدید و توطئه به کار بردند. آن دو، بدون هیچ آثار و علائم ناخوشی یکی در شرق و دیگری در غرب ایران به جام شوکران گرفتار آمدند.» (ص ۱۲۰) نویسنده برای اثبات نظر خود چاره‌ای ندارد جز این که نوشته‌های کتاب تاریخ نو تألیف جهانگیر میرزا (تصحیح عباس اقبال) را که در این زمینه منبع دست اول به حساب می‌آید را جعلی و ساخته «استعمارگران» بدانند. چرا که از دید مؤلف تاریخ نو، عباس میرزا به مرگ طبیعی از دنیا رفت.<sup>۵</sup>

۳- می‌پردازیم به فصل ۵ یعنی فصل مربوط به کنفرانس و عهدنامه دوم ارزنة‌الروم که می‌بایست مهم‌ترین فصل کتاب باشد، (بنا به توضیحی که در ابتدا آورده شد). دو صفحه اول این فصل به بازنویسی عین نوشته آدمیت در کتاب امیرکبیر و ایران اختصاص یافته است اما متأسفانه نویسنده تمام نوشته‌های آدمیت در خصوص کنفرانس ارزنة‌الروم را که تحلیلی است دقیق و ارزشمند به طور کامل مطالعه نکرده و مهمتر این که هیچ توجیحی به منابع مورد استفاده آدمیت نکرده است. البته اگر چنین می‌کرد دچار اشتباهات و تناقض‌گویی‌های فاحش نمی‌شد.

آقای منصوری از صفحه ۱۳۰ تا ۱۳۵ با استفاده از اقتباسهای محمود محمود از سفرنامه سرواستین هنری لایارد تلاش کرده است تا نادرستی آنها را اثبات کند. او بعد از آوردن نقل قول‌های مکرر از سفرنامه لایارد - البته به نقل از محمود محمود - این گونه اظهارنظر کرده است: «این نوشته‌های سراپا جعل و دروغ را استعمارگران انگلیسی در اواخر قرن نوزدهم، پس از نابود کردن یا پنهان نمودن اسناد ارزنة‌الروم، ساخته و انتشار می‌دادند و زمینه‌سازی می‌کردند تا در کنفرانس‌های آینده رسیدگی به اختلافات مرزی آنها

نظیر مآثر السلطانیه هر دو را نیاورده‌اند. اما این دلیل نمی‌شود که عمال استعمار مآثر السلطانیه را برای مقاصد خود جعل کرده باشند. متن این عهدنامه در منابع دیگر نیز، مانند ناسخ‌التواریخ آورده شده است.<sup>۶</sup> از صفحه ۹۳ تا پایان فصل (ص ۱۰۴) نویسنده به بررسی مآثر السلطانیه چایی و سفرنامه ژوبر پرداخته و هر دو را جعلی و ساختگی دانسته است. ضمن اینکه ادله آورده شده وافی به مقصود نیست. مطالب مطروحه نیز به هیچ رو ربطی با موضوع کتاب ندارد. چنانکه از دیگر نوشته‌های این کتاب بر می‌آید نویسنده تنها در مورد این دو کتاب چنین نظری ندارد بلکه بسیاری از منابع و اسناد را ساخته و پرداخته انگلیسی‌ها می‌داند. به نظر می‌رسد نویسنده سخت به نظریه «کار کار انگلیسی‌هاست» یا «همه چیز زیر سر انگلیسی‌هاست» معتقد است. او این نظریه را به متون و منابع و اسناد تاریخی نیز تسری داده و با یک حکم کلی رای به جعلی بودن آنها داده است. او می‌نویسد: «برخی کانون‌های استعماری بویژه در پیرامون کمپانی هند شرقی و حکومت هند بریتانیا، با برنامه‌های خاص، کتاب‌های اصیل و خطی فارسی و عربی را جمع‌آوری می‌کردند و در آرشیوهای مخصوص نگه می‌داشتند و در مقابل کتاب‌های ساختگی یا تحریف شده را تهیه و تدوین نموده به کتابخانه‌های خصوصی و ملی ایران سرازیر می‌کردند.» (ص ۱۵) به نظر می‌رسد که نویسنده فرض را بر این گذاشته که تمام نسخه‌های خطی، «تک نسخه» بوده و این تک نسخه‌ها توسط انگلیسی‌ها ابداع شده و سپس از روی آنها نسخه‌های جعلی ساخته و پرداخته شده است. باید گفت که این تنها انگلیسی‌ها نبودند که اقدام به خرید و جمع‌آوری نسخه‌های خطی از ممالک شرقی می‌کردند، بلکه همزمان، هلندی‌ها، فرانسوی‌ها، روس‌ها و بعد آلمانی‌ها و آمریکایی‌ها و حتی دیگر کشورهای اروپایی نیز چنین می‌کردند. هزاران نسخه خطی بقعه شیخ صفی توسط روس‌ها برده شد، و هزاران نسخه خطی دیگر توسط اروپائیان ابداع گردید.

را مدرک قرار» دهند. (ص ۱۳۳) در مقابل این اظهار نظرها باید گفت که نه تنها اسناد مذاکرات تقریباً چهارساله کنفرانس ارزنة‌الروم نابود نشده بلکه جریان مذاکرات تا حد زیادی از سوی اسناد فراوان باقی‌مانده بطور کامل روشن است و هیچ ابهامی در آنها وجود ندارد که لازم باشد انگلیسی‌ها سفرنامه لایارد را برای اهداف خود جعل کرده باشند. نویسنده ظاهراً اطلاع ندارد که نمایندگان هر چهار دولت حاضر در کنفرانس بطور مرتب و به تفصیل جریان مذاکرات را برای دولت‌های متبوع خود ارسال می‌داشته‌اند. آدمیت با بهره‌گیری فراوان از گزارشهای ویلیامز (نماینده بریتانیا در مذاکرات) به کانیگ (سفیر بریتانیا در اسلامبول) و گزارشهای میرزا تقی‌خان [امیرکبیر] به حاجی میرزا آقاسی توانسته است تحلیل دقیق و ارزشمند به طور مذاکرات کنفرانس ارزنة‌الروم ارائه دهد.<sup>۷</sup> حال چگونه است که هیچ مدرکی از مذاکرات مزبور بجا نمانده است. عجیب‌تر و شگفت‌انگیزتر این که در صفحه ۱۳۵ و ۱۳۶ مجدداً نظر فوق از سوی نویسنده تکرار شده است: او می‌نویسد: «تلاش و تحقیق چهارساله اعضای کنفرانس ارزنة‌الروم منجر به انعقاد قرارداد ۱۲۶۳ ه. ق. (۱۸۴۷ م) و امضای آن از طرف نمایندگان رسمی دول چهارگانه شد. متأسفانه از صورت جلسه‌ها و گزارش‌های کمیسیون و متن و مواد اصلی قرارداد مزبور هیچ گونه آثار مکتوب رسمی باقی نمانده است. استعمار همه آنها را در اوایل قرن حاضر از بین برده و یا پنهان کرده و در مقابل نسخه‌های متعددی از رساله قلابی تحقیقات سرحدیه را به جای آنها ساخته و



